



۳ هزار همت معافیت مالیاتی!

جامعه اگر می خواهد به پایه نظم و عدالت اداره شود، باید منابع محدود خود را به گونه‌ای تخصیص دهد که بیشترین بازده اجتماعی و اقتصادی را فراهم کند. سال‌هاست توجه عمومی و رسانه‌ای به بودجه نهادهای خاص معطوف شده است که با عنوان «بودجه نهادهای عمومی» یا «نهادهای شناخته‌شده» مطرح می‌شود و حجم آن در سال‌های اخیر حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. اما این عدد هنگامی که با کل معافیت‌های مالیاتی کشور که گفته می‌شود ۳ هزار همت یا ۳ میلیون میلیارد تومان است، مقایسه شود، معلوم می‌شود خیلی از داذدن‌ها برای بودجه‌های به اصطلاح خاص برای چیست، هرچند این بودجه‌ها هم اگر واقعاً غیر منطقی است باید اصلاح شود، اما مقایسه این دو رقم ضمن آنکه تفاوت اندازه منابع را آشکار می‌کند، بلکه نگاهی بنیادی درباره اولویت مطالبه عمومی و مسئولیت دولت در زمینه عدالت مالیاتی ایجاد می‌نماید.

در نگاه نخست، توجه به بودجه نهادهای خاص قابل فهم است. این نهادهای معمولاً به دلیل ویژگی‌های سازمانی، استقلال مالی یا نقش سیاسی و اجتماعی که ایفا می‌کنند، در کانون توجه افکار عمومی قرار دارند. مردم، رسانه‌ها و حتی بخشی از نهادهای کارشناسی به نقد شفافیت مالی و کارآمدی آنها می‌پردازند. احساس نابرابری در استفاده از منابع، دسترسی ویژه به بودجه و نبود امکان نظارت گسترده، بستر انتقاد عمومی را فراهم می‌آورد. این نوع تفدها، منظر فرهنگ عمومی و شفافیت‌آاری اهمیت دارد و بی‌توجهی به آن می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند.

با این حال، هنگامی که ابعاد کلان منابع مالی کشور بررسی می‌شود، مشخص می‌گردد حجم معافیت‌های مالیاتی و بخشودگی‌های کلان، چند برابر بودجه نهادهای خاص است. معافیت‌های مالیاتی در قالب بخشودگی‌های شرکت‌ها، مشاغل بزرگ و برخی گروه‌های خاص ارائه می‌شود و به هیچ روی محدود به بودجه رسمی قابل نظارت دولت نیست. این منابع، اگرچه در ظاهر به عنوان کاهش مالیات تلقی می‌شوند، اما در واقع اثر مستقیمی بر توانمندی دولت در تأمین خدمات عمومی و عدالت اجتماعی دارند. این اثر هنگامی که با بودجه نهادهای خاص مقایسه شود، تفاوت چشمگیری را نشان می‌دهد، یعنی منابعی که می‌توانند برای توسعه زیرساخت‌ها، آموزش، بهداشت و کاهش نابرابری صرف شوند، به شکل معافیت‌های مالیاتی از دسترس دولت خارج می‌شوند.

این مقایسه ضرورت بازنگری در اولویت مطالبه عمومی را آشکار می‌کند. تمرکز صرف بر بودجه نهادهای شناخته شده، اگرچه مشروع و قابل دفاع است، اما ممکن است توجه به منابع بزرگ‌تر و اثر گذارتر را کاهش دهد. معافیت‌های مالیاتی برخلاف بودجه مستقیم، اغلب در معرض دید افکار عمومی قرار نمی‌گیرند و کمتر از سوی رسانه‌ها صد می‌شنوند. از این رو، مطالبه کاهش نابرابری مالیاتی و شفاف‌سازی معافیت‌ها می‌تواند تأثیری بسیار گسترده‌تر بر عدالت اجتماعی و توانمندی دولت داشته باشد.

کارشناسان اقتصاد عمومی بارها تأکید کرده‌اند اصلاح نظام مالیاتی و بازنگری در معافیت‌ها یکی از مؤثرترین روش‌ها برای افزایش درآمد‌های پایدار دولت و توزیع عادلانه بار مالیاتی است. کاهش بخشودگی‌ها و حذف معافیت‌های غیر ضروری می‌تواند منابع عظیمی را به سمت آموزش، بهداشت، توسعه زیرساخت‌ها و حمایت از گروه‌های کم‌درآمد هدایت کند. به عبارت دیگر، تمرکز بر اصلاح معافیت‌ها، بار مالی بر اقشار ضعیف را کاهش می‌دهد و امکان مدیریت بهینه منابع محدود کشور را فراهم می‌آورد. این رویکرد از منظر اقتصادی و اجتماعی اولویت بالاتری نسبت به نقد صرف بودجه نهادهای خاص دارد.

از سوی دیگر، شفافیت و پاسخگویی درباره بودجه نهادهای خاص همچنان اهمیت دارد. کاهش یا اصلاح بودجه این نهادهای می‌تواند پیام اعتمادسازی برای افکار عمومی داشته باشد و نشان دهد دولت و نهادهای تصمیم‌گیرنده بر مدیریت منابع عمومی دقت و پاسخگویی دارند. با این حال، هنگامی که مقایسه میان بودجه ۴۵ هزار میلیارد تومانی و معافیت‌های ۳ میلیون میلیارد تومانی انجام می‌شود، مشخص می‌گردد که اثر اصلاح بودجه نهادهای محدود و اثر اصلاح معافیت‌ها گسترده و پایدار است.

بر اساس تجربه کشورهای توسعه‌یافته، اصلاح نظام مالیاتی و کاهش معافیت‌های بی‌ضابطه می‌تواند هم درآمدهای دولت را افزایش دهد و هم عدالت اجتماعی را تقویت کند. این کشورها نشان داده‌اند شفافیت در معافیت‌های مالیاتی، ارزیابی دقیق هزینه-بهره معافیت و کاهش موارد غیر ضروری، به تحقق عدالت مالیاتی و توزیع عادلانه درآمدها منجر می‌شود. در حالی که کاهش بودجه نهادهای خاص اغلب اثر سیاسی و نمادین دارد، اصلاح معافیت‌ها اثر اقتصادی و اجتماعی بلندمدت ایجاد می‌کند. این امر ضرورت تغییر نگاه عمومی و سیاستگذاری به سمت اولویت‌بندی منابع کلان را آشکار می‌کند.

علاوه بر بعد اقتصادی، بعد اخلاقی و اجتماعی موضوع نیز اهمیت دارد. معافیت‌های مالیاتی گسترده، اگر بدون دلیل روشن و هدفمند اعمال شوند، نابرابری اقتصادی را تشدید می‌کنند. در شرایطی که بخش عمده جامعه با محدودیت در آمد و منابع مواجه است، بخشودگی‌های کلان برای گروه‌های خاص پیام تبعیض و بی‌عدالتی منتقل می‌کند. اصلاح این معافیت‌ها شفاف‌سازی آنها هم موجب افزایش اعتماد عمومی می‌شود و هم زمینه رشد سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در فرایندهای اقتصادی را فراهم می‌آورد.

در نهایت، بازخوانی اولویت‌ها در مطالبه عمومی از دولت ضروری به نظر می‌رسد. توجه به بودجه نهادهای خاص، با همه مشروعیت و اهمیت آن نباید تمرکز اصلی افکار عمومی را محدود کند. توجه به معافیت‌های مالیاتی کلان و شفاف‌سازی آنها، اصلاح قوانین و حذف بخشودگی‌های غیر ضروری می‌تواند منابع عظیمی را در اختیار دولت قرار دهد و اثر مستقیم بر عدالت اجتماعی، کاهش فقر و توانمندی زیرساخت‌های ملی داشته باشد. مطالبه عمومی و رسانه‌ای باید به گونه‌ای هدایت شود که این منابع بزرگ و اثر گذار دیده شوند و امکان بازنگری و اصلاح آنها فراهم شود.

تجربه بارخانی نشان می‌دهد اصلاحات کوچک و نمادین، اگر در برابر منابع کلان اقتصادی قرار گیرد، اثر محدود و کوتاهمدت ایجاد می‌کند، در حالی که اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی می‌تواند هم درآمدهای پایدار برای دولت ایجاد و هم اعتماد عمومی را تقویت کند. بنابراین راهبرد مطالبه عمومی باید بر اساس تحلیل علمی، مقایسه منابع و اثرگذاری واقعی تعیین شود. بودجه نهادهای خاص همچنان قابل بازنگری و اصلاح است، اما مقایسه آن با حجم کل معافیت‌ها نشان می‌دهد تمرکز بر معافیت‌ها اولویت بالاتری دارد و می‌تواند بیشترین اثر اجتماعی و اقتصادی را به همراه داشته باشد.

به این ترتیب، بازخوانی اولویت‌ها در سیاستگذاری و مطالبه عمومی از دولت، نه تنها ضرورتی مالی و اقتصادی، بلکه ضرورتی اخلاقی و اجتماعی است. اصلاح معافیت‌های مالیاتی و بازنگری در نحوه تخصیص بودجه نهادهای خاص می‌تواند مسیر توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی را هموار کند. این امر نیازمند تحلیل دقیق، اطلاع‌رسانی گسترده و شفافیت کامل در نظام مالی کشور است. بدون توجه به این اولویت‌ها، اصلاحات محدود و نمادین تنها اثر کوتاهمدت خواهد داشت و فرصت‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی از دست خواهد رفت.

رشد نقدینگی، به‌عنوان بستری برای ایجاد توروم و تلاطمات ارزی بدون اصلاح رفتار بانک‌های ناتراز قابل کنترل نخواهد بود. پیگیری دولت در انحلال بانک آینده و همچنین تداوم برخورد با بانک‌های ناتراز با برنامه اصلاحی می‌تواند گامی در زمینه برچسیدن فضایی غیر شفاف و غیر مولد خلق پول در کشور تلقی شود که منجر به کنترل توروم خواهد شد.

■ ■ ■

مهم‌ترین گام برای کنترل توروم و کاهش تلاطمات قیمتی در بازار ارز کشور، مسئله مربوط به برخورد با خلق پول غیرمولد شبکه بانکی و به خصوص مقابله با بانک‌های ناتراز است. نظام بانکی در سه دولت اخیر رفتار تسامح‌گونه با بانک آینده داشتند و بالاخره با پیگیری دولت و سران سه قوه در آبان ماه بانک آینده منحل شد و تمام کارکنان و شعب به بانک ملی منتقل شدند و بدهی انباشته این بانک نیز از محل دارایی‌های بانک منحل شده آینده و همچنین سهامداران اصلی تأمین خواهد شد.

دولت در ادامه منحل کردن بانک بانک آینده، برنامه برخورد با بانک‌های ناتراز دیگر را نیز در دستور کار خود قرار داده و برنامه اصلاحی برای دیگر بانک‌های ناتراز تهیه کرده است و در صورت عدم اجرای این موضوع به سرنوشت بانک آینده دچار خواهند شد. نکته مهم دیگر این است که در چند سال اخیر، بانک مرکزی مدیران اصلی بانک آینده را تعیین کرده بود ولی متأسفانه بدهی انباشته این بانک در دو سال اخیر نه تنها کاهش نیافت، بلکه تا زمان فرایند گیر بانک آینده هر روز بدهی انباشته این بانک در سایه عدم اقدام متقابل از سوی بانک مرکزی بیشتر می‌شد. بنابراین با پیگیری دولت شاهد شکل‌گیری الگوی جدیدی در مقابله با بانک‌های ناتراز هستیم که می‌توان امیدوار بود رشد نقدینگی به عنوان بستری در ایجاد تورم در کشور و ایجاد تلاطمات در بازار ارز کشور کنترل شود و به این ترتیب بتوانیم به ثبات قیمت‌ها برسیم. عاملیت بانک‌های ناتراز در تعمیق مانده تسهیلات و رشد نقدینگی کشور بسیار بالاست و از این رو برخورد با بانک‌های ناتراز مهم‌ترین رویکرد اقتصادی برای مقابله با تورم در شرایط حال حاضر اقتصاد کشور است.

■ **بانک‌ها از رسالت اصلی دور شده‌اند**

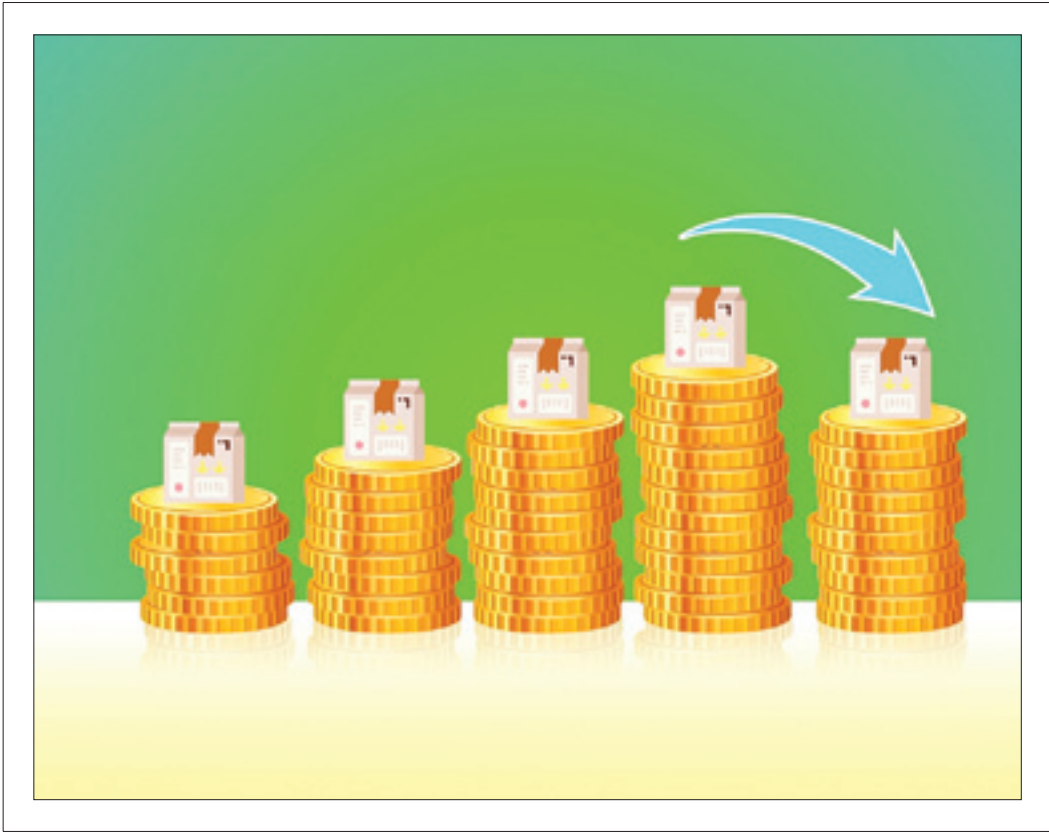
خوشبید گذراری، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان بوشهر در رابطه با تعیین تکلیف بانک‌های ناتراز از سوی دولت خاطرنشان کرد: «ضمن اینکه اقدام وزارت اقتصاد مبنی بر تعیین تکلیف بانک‌های ناتراز کشور مثبت ارزیابی می‌شود، باید به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که مسئول این وضعیت چه کسی است و چرا اجازه داده شده است بانک‌های ناتراز در این سطح در کشور رشد کنند و بزرگ شوند».

گذراری گفت: «متأسفانه از شواهد این‌طور برمی‌آید که سیاست‌های پولی، ارزی و مالی بر

گفت‌وگو
حسام کمالی

مهار رشد نقدینگی تورم را علاج می‌کند

کنترل تورم با مهار رشد نقدینگی از مسیر مقابله با بانک‌های ناتراز در دستور کار قرار دارد



این نیاز غالباً از طریق اضافه‌برداشت از بانک مرکزی یا خلق اعتبار بدون پشتوانه تأمین می‌شود. نتیجه چنین فرایندی، افزایش پایه پولی و در نهایت رشد فزاینده نقدینگی است؛ رشدی که مستقیماً به تورم بالا و جهش‌های ارزی منتهی می‌شود. عاملیت این بانک‌ها در تعمیق مانده تسهیلات و تشدید فشار تورمی به حدی است که می‌توان گفت بخش قابل توجهی از بی‌ثباتی قیمت‌ها در سال‌های اخیر، نه ناشی از شوک‌های خارجی یا تحریم‌ها، بلکه محصول ناکارآمدی و بی‌انضباطی در نظام بانکی بوده است. در این میان، عدم برخورد قاطع با بانک‌های مسئله‌دار، عملاً به معنای انتقال هزینه سوءمدیریت و ریسک‌پذیری افراطی آنها به جامعه بوده است؛ هزینه‌ای که مردم آن را به‌صورت کاهش قدرت خرید، تورم مزمن و نوسانات شدید ارزی پرداخت کرده‌اند.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به اقدام مثبت وزارت اقتصاد در زمینه برخورد با بانک‌های ناتراز در ادامه برخورد با بانک آینده گفت: «پرونده بانک آینده به عنوان نماد باز تسامح سیاستگذار پولی در برابر بانک‌های ناتراز، نمونه‌ای روشن از این چرخه معیوب است. متأسفانه در سه دولت اخیر، به‌رغم آشکار بودن ناتراز از عمیق و رشد مستمر بدهی‌های این بانک، رویکرد غالب، مبتنی بر تعویق تصمیم‌گیری و پرهیز

سیاست‌های مقطعی و دستوری باشد، محتاج اصلاحات ساختاری در موتور تولید نقدینگی کشور است. تجربه اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر به‌وضوح نشان می‌دهد رشد افسار گسیخته نقدینگی، نه حاصل افزایش تولید یا رونق فعالیت‌های مولد، بلکه نتیجه مستقیم خلق پول غیرمولد در شبکه بانکی و به‌ویژه عملکرد بانک‌های ناتراز بوده است. بانک‌های بی‌اضافه‌برداشت‌های مزمن، اعطای تسهیلات بی‌ضابطه، بنگاهداری گسترده و عدم کفایت سرمایه، عملاً به کانون‌های بی‌ثباتی پولی و مالی تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی هر میزان تلاش برای کنترل بازار ارز از مسیر تزیق منابع یا اعمال محدودیت‌های اداری بدون مهار این منبع اصلی خلق نقدینگی، محکوم به شکست خواهد بود. از همین رو، برخورد با بانک‌های ناتراز نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر برای ثبات اقتصاد کلان کشور است. رسیدن رشد نقدینگی به ۴۲ درصد نیز خبری بود که بیانگر رشد قیمت‌ها در بازار ارز و دیگر بازارهای کشور بود و لازمه مهار تورم در شرایط فعلی، کنترل رشد نقدینگی و مقابله با بانک‌های ناتراز است».

■ **تشدید تورم با خلق پول**

همچنین محمدعلی شایان اصل، کارشناس اقتصادی در رابطه با ضرورت مقابله با بانک‌های ناتراز در زمینه کنترل تورم و رشد نقدینگی به صورت توأمان گفت: «کنترل تورم مزمن و کاهش تلاطمات قیمتی در بازار ارز، بیش از آنکه نیازمند



کنترل توروم مزمن و کاهش تلاطمات قیمتی در بازار ارز، بیش از آنکه نیازمند سیاست‌های مقطعی و دستوری باشد، محتاج اصلاحات ساختاری در موتور تولید نقدینگی کشور است. تجربه اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر به‌وضوح نشان می‌دهد رشد افسار گسیخته نقدینگی، نه حاصل افزایش تولید یا رونق فعالیت‌های مولد، بلکه نتیجه مستقیم خلق پول غیرمولد در شبکه بانکی و به‌ویژه عملکرد بانک‌های ناتراز بوده است

از اقدام قاطع بود حتی در سال‌هایی که بانک مرکزی مدیران اصلی بانک آینده را تعیین می‌کرد، انتظار می‌رفت با اعمال نظارت سختگیرانه، روند بدهی‌های انباشته کنترل شود، اما واقعیت آن است که در دو سال منتهی به فرایند گیر، بدهی انباشته این بانک نه تنها کاهش نیافت، بلکه در سایه عدم اقدام متقابل و نبود اراده جدی برای اصلاح، به‌صورت روزافزون افزایش پیدا کرد. این وضعیت، نمونه‌ای روشن از تضاد میان نقش نظارتی بانک مرکزی و عملکرد واقعی آن در برخورد با بانک‌های پری‌ریسک بوده؛ تضادی که هزینه آن مستقیماً بر اقتصاد ملی تحمیل شد».

وی افزود: «قدام وزارت اقتصاد به انحلال بانک آینده، صرفاً یک تصمیم موردی نبود، بلکه آغاز شکل‌گیری الگوی جدیدی در مواجهه با بانک‌های ناتراز است. در ادامه این مسیر، وزارت اقتصاد برنامه‌های اصلاحی مشخصی برای سایر بانک‌های مسئله‌دار تدوین کرده و اجرای آنها را به عنوان شرط تداوم فعالیت در نظر گرفته است. چنین رویکردی، ضمن ایجاد انضباط در شبکه بانکی، انتظارات تورمی را نیز به‌طور معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی فعالان اقتصادی و عموم مردم اطمینان یابند که دولت و سیاستگذار پولی در برابر ناترازی‌های بانکی عقب‌نشینی نخواهد کرد، زمینه برای ثبات در بازار ارز و کاهش رفتارهای سفته‌بازانه نیز فراهم می‌شود».

شایان اصل در پایان گفت: «خورد قاطع با بانک‌های ناتراز، مهم‌ترین رویکرد اقتصادی برای مهار تورم در شرایط کنونی اقتصاد کشور است. رشد نقدینگی به عنوان اصلی‌ترین عامل ایجاد توروم و تلاطمات ارزی بدون اصلاح رفتار بانک‌های ناتراز قابل کنترل نخواهد بود. بانک مرکزی متأسفانه رویکرد مثبتی در این زمینه نداشته است ولی پیگیری دولت چهاردهم در انحلال بانک آینده و همچنین تداوم برخورد با بانک‌های ناتراز با برنامه اصلاحی وزارت اقتصاد، گامی مهم در زمینه برچسیدن فضای غیر شفاف و غیرمولد خلق پول در کشور است که منجر به کنترل تورم خواهد شد».

انرژی گام برداشته می‌شود.

عضو کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۴ خاطرنشان کرد: رفع مشکل بیکاری مددجویان به لحاظ افزایش توانمندسازی آنها کاهش بار مالی دولت می‌رسند، نیاز به کمک‌های دولتی ندارند و بار مالی دولت کاهش پیدا می‌کند.

فیاضی گفت: در شرایطی که جامعه با تحریم، تورم و کمبود منابع روبه‌روست، به اجرا گذاشتن سیاست‌های دقیقیه مانند ائصال وام اشتغال مددجویان به طرح‌های پئل خورشیدی مثبت ارزیابی می‌شود، زیرا از یک طرف مددجویان توانمند می‌شوند و نیازی به کمک‌های دولتی ندارند و از طرف دیگر در راستای رفع مشکل ناترازی انرژی گام برداشته می‌شود. تمامی این موارد به معنی کاهش بار مالی دولت است که در شرایط فعلی اهمیت زیادی دارد.

وی ادامه داد: این موضوع مهمی است که زمینه پیشرفت تأکید شده است، تسهیلات وام اشتغال مددجویان باید با شرایط مناسب در اختیار آنها قرار گیرد. بر این اساس، کاهش مدت زمان بازپرداخت وام اشتغال مددجویان از ۸۴ به ۶۰ ماه اقدام درستی نیست. این نماینده مجلس خاطرنشان کرد: نیاز است بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور نسبت به پرداخت به موقع تسهیلات حمایتی به ویژه وقتی جامعه هدف مددجویان نهادهای حمایتی هستند، توجه جدی داشته باشد.

وی ادامه داد: اقدام کمیته امداد مبنی بر ائصال وام اشتغال مددجویان به طرح‌های پئل خورشیدی یک گام رو به جلو و تصمیم هوشمندانه به حساب می‌آید، زیرا به صورت همزمان در راستای رفع دو مشکل اساسی در کشور یعنی اشتغال و ناترازی



فیاضی: باید مجلس خود در زمینه تعیین سهمیه مختص مددجویان نهادهای حمایتی ورود کند و تعیین سهمیه نهادی وام اشتغال مددجویان از سوی مجلس در متن قانون بودجه ۱۴۰۵ لحاظ شود، زیرا تجربه امسال در سپردن اختیارات به بانک مرکزی و دولت تجربه‌ای ناموفق و شکست خورده بوده است

تا بتوانند از این ظرفیت قانونی برای توانمندسازی خودشان و دسترسی به درآمد پایدار استفاده کنند.

فیاضی گفت: همان طور که در قانون برنامه هفتم پیشرفت تأکید شده است، تسهیلات وام اشتغال مددجویان باید با شرایط مناسب در اختیار آنها قرار گیرد. بر این اساس، کاهش مدت زمان بازپرداخت وام اشتغال مددجویان از ۸۴ به ۶۰ ماه اقدام درستی نیست. این نماینده مجلس خاطرنشان کرد: نیاز است بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور نسبت به پرداخت به موقع تسهیلات حمایتی به ویژه وقتی جامعه هدف مددجویان نهادهای حمایتی هستند، توجه جدی داشته باشد.

وی ادامه داد: اقدام کمیته امداد مبنی بر ائصال وام اشتغال مددجویان به طرح‌های پئل خورشیدی یک گام رو به جلو و تصمیم هوشمندانه به حساب می‌آید، زیرا به صورت همزمان در راستای رفع دو مشکل اساسی در کشور یعنی اشتغال و ناترازی



از آنجایی که وام اشتغال مددجویان در زمینه پئل‌های خورشیدی به کار می‌افتد و قرار است مددجویان را به درآمد پایدار برساند، دسترسی سریع مددجویان به وام اشتغال و به کار انداختن آن در حوزه انرژی اهمیت بالایی دارد. بر همین اساس، انتظار می‌رود تعیین سهمیه وام اشتغال مددجویان بر اساس قانون برنامه هفتم پیشرفت در مددجویان به طرح‌های پئل خورشیدی و این اقدام به بانک مرکزی سپرده نشود.

عبدالوحدیفیاضی، عضو کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۴ گفت‌وگو با «جوان» در ارتباط با لزوم تعیین سهمیه وام اشتغال مددجویان در قانون بودجه تصریح کرد: از آنجایی که وام اشتغال مددجویان به خانواده‌های ضعیف تعلق می‌گیرد، دسترسی سریع آنها به مبالغ ضرورت دارد و به ویژه